

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لاله

۰۲ جون ۲۰۱۱

سند واگذاری افغانستان را دولت پوشالی توسط "لویه جرگه" امضاء می کند.

شاه شجاع ثالث روز سه شنبه ۱۰ جوزای ۱۳۹۰ با دیده درانی که مختص به خودش است، اعلان کرد که برای رد یا تأیید همکاری های ستراتیژیک و دراز مدت بین افغانستان و ایالات متحده و ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان تا چند روز دیگر "لویه جرگه" را فرا خواهد خواند. علاوه بر آن قرار است در این "لویه جرگه" چگونگی مذاکره با طالبان نیز به بحث گرفته شود. برای ذهنیت خواننده این سطور، لازم است تا به مفهوم و ماهیت "لویه جرگه" و اعضای آن نظری گذرا داشته باشیم تا از نتایجی که بعد از برگزاری این "لویه جرگه" به دست می آید، بهتر آگاهی داشته باشیم.

"لویه جرگه" ریشه در فرهنگ فیودالی کشور ما دارد که تاریخی بس طولانی را پیموده است و عمر آن به گذشته های دور می رسد. در "لویه جرگه" هائی که تا حال در افغانستان دایر گردیده، هرگز خواست و نظر توده ها و زحمتکشان افغانستان در نظر گرفته نشده، چرا که در کشور های فیودالی یا نیمه فیودالی – مستعمره همچون افغانستان، رعیت (توده های پا برهنه و زحمتکش) که اکثریت جامعه را می سازد، باید دساتیر و فرمان های اربابان، ملاکان ارضی، زورمندان و اشغالگران را با دل و جان قبول نماید تا مورد خشم و عتاب آن ها قرار نگیرد. لویه جرگه ها همیشه توسط طبقات حاکم و صاحبان قدرت برگزار گردیده و هیچ فرزندی از فرزندان طبقات تحت ستم و استثمار حتی حق نزدیک شدن به محل برگزاری آن را نداشته اند.

در ماده ۱۱۰ قانون اساسی دولت پوشالی، اعضای لویه جرگه متشکل از اعضای "شورای ملی"، "رؤسای شوراهای ولایتی و ولسوالی تعریف گردیده که این تعریف خود نتایج به دست آمده را در "لویه جرگه" پیش رو، از قبل نشان می دهد. یک ضرب المثل عامیانه جواب دادن شکن به این فراخوان شاه شجاع ثالث می دهد: "به رویاه گفتند که شاهدت کیست، گفتم دُم ام." در کشوری که "شورای ملی" آن بیشتر به شورای جاسوسان شباهت دارد، چگونه امکان دارد که "لویه جرگه" آن بتواند خلاف میل اشغالگران عمل نماید.

نظامی که سرشت آن وابستگی و نوکر منشی است، هرگز قادر به اتخاذ تصمیمی هر چند کوچک خلاف منافع اشغالگران نبوده و شاه شجاع ثالث هر چه گلو پاره نماید، باز هم صدای او به جانی نخواهد رسید. برگزاری "لویه جرگه" ها زیر سایه اشغال هیچ تغییری در ستراتیژی و برنامه های شوم امپریالیست های غدار وارد کرده نمی توانند؛ اشغالگران دقیق می دانند که "لویه جرگه" ها محتوای ضد مردمی داشته و همیشه تصامیمی که اتخاذ می نمایند، به نفع حاکمان و ضرر زحمتکشان است.

هر چه دولت پوشالی و دست نشانده کابل با طمطراق و تبلیغات وسیع بخواد کالای بی ارزشی چون "لویه جرگه" را به خورد زحمتکشان کشور بدهد، قادر به این کار نخواهد گردید، چرا که توده های زحمتکش ما با کسب تجارب سه دهه جنگ مخصوصاً ۱۰ سال گذشته، ماهیت رژیم های مزدور و اهداف اشغالگران را از هر سیاستمداری بهتر درک می کنند.

امپریالیست های امریکائی و غیر امریکائی هنگامی که در سال ۲۰۰۱ زیر نام مبارزه علیه "القاعده، تروریسم و طالب" با پیشرفته ترین سلاح ها بر خانه و کاشانه توده های زحمتکش ما همچون گرگان وحشی حمله ور شدند، آیا کوچکترین تماسی با توده های پا برهنه ما گرفتند که حالا نوکر حلقه به گوش آنها می خواهد با راه اندازی "لویه جرگه" این تماس را به گفته خودش با زن، مرد، پیر و جوان کشور ما بر قرار نموده و در رابطه به سرنوشت آینده کشور تصمیم بگیرد!!

به اساس حکم قانون اساسی رژیم مزدور کرزی، تمامی اعضای "لویه جرگه" کسانی خواهند بود که یا دست شان به خون توده های ما آغشته اند یا دم شان با دم استخبارات منطقه و امپریالیست ها سالهاست که در هزار نقطه گره خورده اند.

تاریخ کشور ما در هر ورق آن ثابت ساخته که دولت های وابسته و نوکرمنش هرگز توانائی حل مشکلات روز افزون توده ها را نداشته و این نوع دولت ها جز فقر، بدبختی، بیکاری، فساد، تجاوز، قتل، غارت، چپاول و سیه روزی چیز دیگری را به ارمغان نمی آورد. تنها زحمتکشان است که می توانند در همگامی با پیشاهنگان طبقات زحمتکش و با شعار مارکسیسم، لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون، با اتحاد و همبستگی خود هیولای استثمار و استعمار را از کشورشان بیرون انداخته و غلامان حلقه به گوش امپریالیست های خون آشام را در دادگاه صحرائی به جزای اعمالشان برسانند.

زنده باد توده های زحمتکش و پا برهنه افغانستان

مرگ بر امپریالیست های اشغالگر و غلامان حلقه به گوش آنها